

استعمار و پیامدهای زشت آن

عبدالله صادق

پوهنیار، علوم و فرهنگ اسلامی، تعلیم و تربیه، پوهنتون غور، فیروزکوه افغانستان (نویسنده

مسئول) A.Sasiq@ghru.edu.af

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۲۰ - تاریخ نشر: ۱۴۰۴/۱۰/۹

چکیده

مفهوم استعمار تسلط جوامع و کشورهای قدرتمند (عمدتاً غربی) بر جوامع یا سرزمین‌های دیگر به‌منظور استثمار و بهره‌کشی از آن‌ها می‌باشد. این پدیده‌ی شوم در طول تاریخ بشریت در اماکن مختلف جهان سایه افکنده است و خسارات زیادی را در جهان به بار آورده است، لذا تحقیق پیرامون این پدیده و اثرات جامانده از آن نیاز جامعه بشری می‌باشد. هدف این تحقیق، بررسی مفهوم استعمار و پیامدهای زشت آن که در جوامع مستعمره باقی می‌ماند، می‌باشد. از آن جایی که استعمارگران تحت نام آبادی خواهی، اهداف شوم‌شان را بر جوامع مستعمره اعمال می‌کنند که نتیجه‌ی آن تباهی ملت‌های مستعمره است. شناخت استعمار و بیان آثار مهلک آن، امری کاملاً ضروری است تا چهره‌ی واقعی استعمار برملا و از پیامدهای زشت آن و قایه صورت گیرد. روش کار در تحقیق هذا با توجه به اهداف توصیفی و از نظر ماهیت کیفی و از بعد جمع‌آوری دیتا کتابخانه‌یی می‌باشد، با استناد به منابع دست‌اول، تلاش شده است تا استعمار با تمام انواع و ابزار کارش معرفی شود و طرح‌ها و ترفندهای استعماری واضح گردد تا بشریت به ژرفنای عمیق خطر استعمار پی برده و در نتیجه به آثار زشت و ویرانگر آن باورمند گردد و برای و قایه از ضررهای آن بذل جهد نماید. هویدا کردن چهره سفاک استعمار و بیان آثار نهایت زشت آن از یافته‌های این تحقیق است. تردید نیست این یافته‌ها روزنه‌ی و قایه و نجات را برای کشورها و ملت‌های مستعمره یا در آستانه‌ی استعمار، می‌گشاید و رهنمود علمی در دست رس همه خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: استعمار، استثمار، استشراق، تبشیر و آثار

استناد: صادق، عبدالله (۱۴۰۴). استعمار و پیامدهای زشت آن. *مجله علمی-تحقیقی پوهنتون غور*، ۲(۱)،

۵۸-۳۹.

Colonialism and Its Negative Impacts

Abdullah Sadiq

Asst. Prof. Islamic Sciences and Culture, Education, Ghor Institute of Higher Education, Firozkoh of Afghanistan (Corresponding Author)_A.Sasiq@ghru.edu.af

Received:10/7/20245 | Accepted: 11/8/2025 | Published: 30/12/2025

Abstract

Isti'mār (colonialism) is an Arabic term that, in Farsi, literally means "a desire for development or prosperity." However, in practice, it refers to the domination of powerful (primarily Western) nations over other societies or territories for the purpose of exploitation and resource extraction.

The main focus of this study is to explore the concept of colonialism and the devastating consequences it leaves behind in colonized societies. Colonial powers, under the guise of development and civilization, have imposed their most destructive and exploitative agendas on colonized nations, resulting in their cultural, social, and economic ruin. Understanding colonialism and identifying its destructive impacts is essential in order to expose its true face and to protect vulnerable societies from its harmful outcomes. This research, based on library and textual sources, aims to identify the various forms of colonialism and the tools it employs. It also sheds light on colonial strategies and tactics, so that humanity can grasp the depth of the threat it poses and actively resist its destructive effects. One of the key findings of this research is to expose the cruel and deceptive nature of colonialism and its devastating consequences. Undoubtedly, these findings offer a new perspective for prevention and liberation for nations currently under colonial rule or on the brink of it, and serve as a scholarly guide for all.

Keywords: Colonialism, Exploitation, Orientalism, Evangelism, Impacts.

Cite: Sadiq, Abdullah. (2025). Colonialism and Its Negative Impacts. *Scientific-Research Journal of Ghor University*, 2(1), 39-58.

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على أنبياء الله أجمعين و على نبينا أذكى الصلاة و أتم التسليم و علي أله و اصحابه اجمعين.

در طول تاریخ، جهان اسلام بارها مورد تهاجمات گوناگون استعمارگران با شیوه‌های مختلف قرار گرفته است. در صفحات تاریخ می‌خوانیم، گاهی مسلمین مورد حمله و غارت تاتار قرار گرفته‌اند، زمانی صلیبی‌ها بر آن‌ها یورش برده‌اند، قتل‌عام و غارت فراوان کردند، زمانی زیر استعمار پیر بریتانیای کبیر فروشکستند و خلافت اسلامی که تاج شرافت امت اسلامی بود با نیرنگ‌های خصمانه این مکار بزرگ از هم پاشید. زمانی ملحدان ستم‌پیشه (کمونیست‌ها) با شعار آزادی انسانیت و درهم پیچیدنی فقر و تساوی تمام افراد بشریت، قامت نامیمون‌شان را برافراشتند و در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی سفاکی‌های بی‌شرمانه نموده‌اند به پیمان‌های غارت و خون‌ریزی کردند که اعمال شوم‌شان، لکه ننگی در تاریخ بشریت مانده است. در قرون اخیر، هیولای غرب (امریکا) پر و بال کشید، دستی دادخواهی، آبادانی و دوستی سوی جهان اسلام دراز کرد. ای کاش از همان اول دست نامیمونش خشکیده بود! اما این دشمن دوست‌نما چنان ضرباتی به پیکر جهان اسلام کوبید که غیرقابل جبران است، طوری بر سیاست، اقتصاد، فرهنگ و دین مسلمانان ریشه دواند که نجات از آن قرن‌ها مبارزه می‌طلبد. شگفتی کار در این نکته است که در تمام جریان‌های فوق، مسلمان‌نمایی بوده‌اند که دست استعمار را بوسیده و یاریش کرده‌اند، بی‌خبر از اینکه حمایت استعمار پیامدهای زشتی را برای ملت و کشورهای‌شان به ارمغان می‌آورد.

این عمل از جهل نسبت به آثار زشت استعمار نشأت می‌گیرد طوری که زرق‌وبرق‌های نمادین استعمار تا جای آن‌ها را می‌فریبد که مست و مغرور، اعضای بدن ملت‌های‌شان را یکی‌یکی می‌برند و هویت دینی، فرهنگی و سیاسی‌شان را به تاراج می‌دهند. برای برچیدن سایه‌ی این جهل از افکار و اذهان امت مسلمة و نجات نسل‌های مسلمین از این اغفال بس خطرناک، نیاز است تا پیرامون شناخت استعمار و آثار زشت آن تحقیق علمی صورت گیرد. روی این دلیل در این تحقیق سعی بر این شده تا چهره‌ی واقعی استعمار از روکش انسان‌نمایش بیرون کشیده شود و آنچه ماهیتش هست به معرفی گرفته شود و گونه‌های

استعمار واضح گردد و در نتیجه پیامدهای زشت آن برای همگان بیان گردد تا سرانجام امت مسلمه از ترندهای استعماری آگاه شده و آگاهانه علیه آن به مبارزه برخیزد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی

شناخت استعمار و بررسی پیامدهای زشت آن.

اهداف فرعی

شناخت سیر تاریخی و گونه‌های استعمار.

معرفی راه‌های نفوذ استعمار به سرزمین‌های اسلامی.

بیان ابزار ویرانگر استعمار و نحوه‌ای استفاده از آن‌ها.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی

استعمار چیست؟ و پیامدهای آنچه می‌باشد؟

سؤالات فرعی

سیر تاریخی استعمار چه گونه بوده و انواع آن چندگونه است؟

استعمار از چه راه‌های بر سرزمین‌های اسلامی نفوذ می‌کند؟

استعمار برای تسلط بر ملت‌ها و ویران نمودن کشورها از کدام ابزار استفاده می‌کند؟

روش تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت کیفی و از دید اهداف توصیفی و از بعد جمع‌آوری دیتا کتابخانه‌یی می‌باشد و از منابع معتبر علمی استفاده گردیده و تلاش صورت گرفته تا تمام معیارها و موازین قابل استفاده با حفظ امانت‌داری رعایت گردد.

تعریف استعمار

الف: استعمار در محک واژه‌شناسی:

استعمار: واژه‌ای عربی بوده از باب استفعال از ریشه‌ای «عمر» به معنای آبادی خواهی و آبادانی خواستن یا عمران و آبادانی است (طلوعی، ۱۳۹، ص ۱۴۶). بعضی دانشنامه‌ها واژه‌ای استعمار را

به مهاجرت گروهی از افراد کشورهای متمدن به سرزمین‌های خالی از سکنه یا کم‌رشد به‌منظور عمران آن سرزمین معنا نمودند (احمد مختار. ۱۴۲۹. ج ۱/ص ۱۱۶). معنای لغوی استعمار تصویر مثبت ارائه می‌دارد، اما هرگز این واژه به‌خصوص در جهان اسلام به معنای واقعی به کار نرفته است.

استعمار در اصطلاح: در ادبیات سیاسی امروز، استعمار به مفهوم «تسلط کشوری بر کشوری دیگری و غارت منابع طبیعی آن، اما در ظاهر کمک به آبادسازی آن کشور» استفاده می‌شود (آشوری. ۱۳۸۷. ص ۲۶).

مفهوم کاربردی استعمار: تسلط جوامع و کشورهای قدرتمند (عمدتاً غربی) بر جوامع یا سرزمین‌های دیگر به‌منظور استثمار و بهره‌کشی از آن‌ها می‌باشد (زمانی. ۱۴۰۳. ص ۴).
واژگان هم‌گون یا مترادف استعمار: امپریالیسم و کلونیالیسم می‌باشند. امپریالیسم در ابتدا به حکومتی اطلاق می‌شد که در آن یک حاکم نیرومند بر بسیاری از سرزمین‌های دور و نزدیک حکومت داشت ولی بعدها به هرگونه حاکمیت مستقیم و غیرمستقیم کشورهای قدرتمند بر کشورهای دیگر عنوان امپریالیسم داده شده است (اونیل. ۱۳۹۱. ص ۳۱۰).

شرح تعریف

از این تعریف چنین افاده‌ای به دست می‌آید که استعمار عبارت است از سیاست نظام یا دولت سلطه‌جوی که هدفش بهره‌کشی از مردم کشورهایی است که از نظر اقتصادی کم‌رشد و از نظر سیاسی ضعیف هستند. دولت سلطه‌جو برای تحکیم سیطره خویش همیشه مانع تکامل فنی، اقتصادی و فرهنگی این کشورها می‌شود. بنابراین، مستعمر عبارت از کشور سلطه‌جو، بهره‌کش، مستفید، استیلا گر و ستم‌گری است که از هر راه ممکن استفاده‌جویی می‌کند. مستعمره: به سرزمینی فاقد استقلال سیاسی و اقتصادی که کاملاً تابع دولت امپریالیستی استیلاء گر باشد و به‌عنوان مواد خام، نیروی کار ارزان، بازار فروش کالاها و عرصه سرمایه‌گذاری‌های پرسود و همچنین به‌مثابه پایگاه‌های نظامی و سوق‌الجیشی استفاده شود، گفته می‌شود (صمیم. ۱۴۰۱. ص ۸۳).

گونه‌های استعمار

استعمار به گونه‌های ذیل می‌باشد.

۱ - **استعمار کهن**: عبارت از شیوه‌ی استعماری است که قدرت‌های بزرگ با اعمال زور بر کشورهای دیگر سلطه پیدا می‌کردند و به چپاول و غارت مال و ثروت آن‌ها می‌پرداختند. ویژگی‌های استعمار کهن: قدرت نظامی، اشغال سرزمین‌ها، اعمال زور و کشتار، استبداد و مشروعیت تقدس جنگ است. (صمیم. ۱۴۰۱. ص ۸۵).

۲ - **استعمار نو**: عبارت از استعمار است که از طریق سلطه اقتصادی و فرهنگی اهداف استعمار کهن را تعقیب می‌کند.

ویژگی‌های استعمار نو: اشغال دستگاه سیاسی، قدرت امنیتی (زور پنهانی)، وابستگی فرهنگی و ظهور قهرمانان کاذب (قهرمان سازی) می‌باشد.

۳ - **استعمار فرانو**: عبارت از تسخیر هویت ملت‌ها از طریق سلطه‌ی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کامل، همه‌جانبه تدریجی و نامحسوس بر منافع حیاتی و مالی کشورهاست.

ویژگی‌های استعمار فرانو: اولویت سیطره‌های فرهنگی بر سیطره‌ای نظامی، ترویج فرهنگ بیگانه از طریق رسانه‌ها، وابستگی اقتصادی و گسترش بازار مصرف (طلوعی. ۱۳۹۰. ص ۱۶۴).

سیر تاریخی و تکاملی استعمار: گرچه استعمار پیشینه‌ی کهن دارد اما مفهوم جدید آن از قرن‌های شانزدهم و هفدهم آغاز گردیده و تا اکنون ادامه دارد. تاریخ استعمار را از دوره باستان تاکنون می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد، سه دوره اول مجموعاً تحت عنوان استعمار کهن قرار می‌گیرند.

استعمار دوره اول: عصر باستان،

استعمار دوره دوم: دوران جهانی؛

استعمار دوره سوم: استعمارگری قرن‌های نوزدهم و بیستم.

استعمار نو (زمانی. ۱۴۰۳. ص ۵)

عناصر فعال و نیروی مسئولیت‌پذیر استعمار

الف: بدنه‌ی استعمار آنچه قامت استعمار را راست می‌سازد و به آن قدرت تهاجم و تجاوز می‌بخشد دو چیز است:

۱ - قدرت نظامی: اگر به مسیر تاریخ استعمارگران به‌دقت نگریسته شود، به‌وضوح مشاهده می‌شود که همیشه استعمارگران از نیروی نظامی و تهاجمی خوبی برخوردار بودند و در اکثر موارد از این نیروی‌شان بی‌رحمانه علیه مستعمرین استفاده نمودند، بنابراین، قوت نظامی و نیروی جنگی به‌عنوان ستون فقرات استعمار محسوب می‌شود.

۲ - قدرت اقتصادی: مطالعه همه گونه‌های استعمار ما را به این نتیجه می‌رساند که استعمارگران به‌ویژه استعمارگران جدید از نیروی اقتصادی فوق‌العاده برخوردارند و از این نیروی خویش حداکثر استفاده را می‌نمایند تا افراد، شخصیت‌های ملی، حتی نظام‌ها و حکومت‌ها را خریداری نمایند تا به این وسیله به اهداف‌شان نائل آیند. روی این اساس قدرت اقتصادی یکی از دو بُعد مهم بدنه‌ی استعمار است (ساعی، ۱۳۹۳، ص ۵۴).

ب: بازوهای استعمار: استعمار کنونی دو بازوی باقوت و متمکن در جهان دارد که به‌عنوان عناصر فعال و نهایت خطرناک اند که در جهان به‌خصوص در سرزمین‌های اسلامی به‌شدت کار می‌کنند تا زمینه استعمار کشور ضعیف را برای استعمارگر، مهیا نمایند. این دو بازو عبارت‌اند از استشراف و تبشیر.

۱ - استشراف: عبارت از فعالیت‌های علمی و تبلیغاتی دشمنان اسلام برای تشکیک در معارف اسلامی و تضعیف ایمان مسلمانان است. مستفاد تعریف فوق این است: استشراف دسته‌ی از دانشمندان غربی هستند که تعصبات دینی و سمتی‌شان آن‌ها را واداشته تا قلم بردارند و علیه اسلام توطئه نمایند و دسیسه‌سازی کنند و بدون رعایت کوچک‌ترین امانت علمی چهره واقعی اسلام را برای جهانیان زشت جلوه دهند و از هر وسیله‌ی برای بدنام ساختن اسلام و مسلمین بهره‌برداری نمایند. ادعاهای دروغین؛ مانند: ادعای غیر سماوی بودن قرآن کریم، مساوی بودن مصادر سماوی و غیر سماوی و تغییر در احکام اسلامی، سرلوحه‌ی فعالیت‌های این گروه است (رضوان، ۱۴۱۳، ص ۲۲).

اهداف استشراق: ایجاد فاصله میان مسلمانان و مسیحیان، تقویت جنگ در سرزمین‌های اسلامی، دور نگه‌داشتن مسلمانان از اسلام، ترغیب و تشویق به روشن‌فکری، نواندیشی در قالب اهداف استعماری، خلاصه می‌شود،

ابزار استشراق: عبارت‌اند از ایجاد مراکز علمی، نشر مقالات و دائره‌المعارف‌ها، ارائه‌کنفرانس‌ها و نشر کتب غیر اسلامی یا کتب اسلامی ملّون با تحریفات مستشرقین. رابطه استشراق با استعمار رابطه‌ی آمر با مادون است. استشراق در حقیقت یک مأمور وفادار و زحمت‌کش استعمار است که برای لشکرکشی و غارت‌گری استعمار بذل‌جهد می‌نماید در هر مکان که زمینه بهره‌کشی و غارت‌گری توسط استشراق آماده شد استعمار با اشاره استشراق، قدم نحسش را جلو می‌گذارد. در حقیقت مستشرقین پیش‌مرگ‌های جیش استعمار در سرزمین‌های اسلامی‌اند که راه را برای استعمار هموار نموده و نقشه‌ی استعمار را طراحی می‌نمایند و استعمار به‌آسانی وارد کشور مستعمره می‌گردد (صمیم، ۱۴۰۱، ص ۳۴).

۲ - تبشیر: عبارت از مجموعه برنامه‌های است که کلیساهای مسیحی در سراسر جهان به‌ویژه در میان مسلمانان به تبلیغ آن‌ها می‌پردازند و هدف‌شان فریب دادن مسلمانان و تشویق آن‌ها به دین تحریف‌شده‌ی خودشان است (الجنیدی، ب.ت.ص ۱۶۰). اهداف تبشیر: عبارت‌اند از محو کردن قرآن از صحنه زندگی مردم، از میان برداشتن عقیده اسلامی، از بین بردن وحدت امت اسلامی و فاسد کردن زنان مسلمان.

ابزار تبشیر: ابزار تبشیر به دو نوع ابزار علنی و مخفی تقسیم‌شده است ابزار علنی عبارت‌اند از: فراخواندن مسلمانان به مسیحیت از راه مناقشه و مناظره علمی و یا مشکوک نمودن جانب مقابل در اعتقاد و باورهایش، جنگ‌های صلیبی و محاکم تفتیش و اختطاف کودکان و سرقت از راه بحر‌ها و از بین بردن مسلمانان که مانع دعوت آن‌ها قرار می‌گیرند. وسایل مخفی عبارت‌اند از: ایجاد مدارس، مکاتب و دانشگاه‌ها، ارائه سمینارها، اعزام هیئت‌های دیپلوماتیک، اعزام هیئت‌های طبی، اعزام هیئت‌های آموزش‌های حرفه‌یی، اعزام هیئت‌های تعلیمی و تربیتی، اعزام مؤسسه‌های کمک‌های بشری، ایجاد کورس‌ها برای شکار زنان، اعزام کارگران و متخصصان، اعطای بورس‌های تعلیمی و تحصیلی، تبادل فرهنگ میان کشورهای غربی و اسلامی، رسانه‌های خبری. رابطه‌ی تبشیر با استعمار: رابطه‌ی آمر و مادون است. درواقع تبشیری‌ها

مزدوران کمربسته‌ی استعمارند که برای باز کردن جای پای برای مستعمران نهایت زحمت می‌کشند، و برای تحقق اهداف استعماری، هر دروازه‌ی را دق‌الباب می‌نمایند و بر هر گروهی از طبقات جامعه، سرخم می‌کنند تا افراد و جوامع را به دام استعمار بکشند (صمیم، ۱۴۰۱، ص ۴۶).

ج: انامل (چنگال‌های) استعمار: استعمار دقیقاً چنگال‌های دارد که با آن‌ها انسان‌ها را خفه می‌کند و زنده‌زنده دفن می‌کند، با آن‌ها آدم‌ها، شهرها، نسل‌ها، حیوانات و همه موجودات زنده را در جاهای که بخواهد آتش می‌زند و ویران می‌کند، با آن‌ها انسان‌ها، ثروت‌ها، ناموس‌های ضعیفان را به اسارت می‌گیرد، با آن‌ها معاهدات و فرمان‌های ستم و ظلم را در دنیای ضعیفان امضاء می‌کند. این چنگال‌های سفاک، ممکن در ظاهر به‌عنوان دولت‌ها، نهادها، ایده‌ها یا دین‌های در این جهان فعالیت نمایند، اما در حقیقت این‌ها چنگال‌های همان استعمار سفاک، ویرانگر و دهشت‌گر است. در ذیل از انامل استعمار مختصراً یادآوری می‌گردد.

۱ - سکولاریسم: عبارت از مکتب فکری و فلسفی است که بر مبدأ عدم دخالت دین در شئون زندگی بخصوص حکومت استوار است. سکولاریسم مال غرب و زاده قرن نهم میلادی است و یکی از چنگال‌های استعمار سفاک غرب است (صمیم، ۱۴۰۱، ص ۶۶).

۲ - صهیونیسم: یک حرکت سیاسی و مذهبی متعصب و افراطی یهود غاصب است، هدف آن اقامه دولت یهودی در فلسطین می‌باشد، دولت که توسط آن بالای تمام جهان فرمانروایی کند. برای احقاق این هدفش بالاتر از هفتادسال است که دست خائنش به خون ملت مظلوم فلسطین آلوده است و دقیقاً تحت حمایت استعمار به وحشی‌گری‌اش ادامه می‌دهد (رهباب، ۱۴۰۲، ص ۶۴).

۳ - مآسونیت: عبارت از یک تنظیم سری، سیاسی و تروریستی یهودی است، هدف اصلی‌شان به حاشیه راندن ادیان، ارزش‌های اخلاقی و نظام‌های دینی است، این اهداف خود را تحت شعارهای کاذبانه همچون آزادی، برادری، مساوات و انسانیت مطرح می‌کنند تا یک حکومت جهانی و غیردینی را به وجود بی‌آورند، اما در حقیقت این تنظیم سیاسی یکی از چنگال‌های خون‌آشام استعمار است که با ترفندهایش، اهداف استعماری را دنبال می‌کند (مجموعه من الباحثین، بی‌تا، ص ۶۱).

۴- مدرنیسم: عبارت از سازمان اجتماعی است که برای جایگزین ساختن اندیشه‌ها و شیوه‌های زندگی جدید در عوض اندیشه‌ها و شیوه‌های زندگی سنتی در تمام جوانب زندگی فردی و اجتماعی کار و فعالیت می‌نماید و اهدافش عبارت‌اند از: نوگرایی در عرصه‌ی فلسفه، نوگرایی در عرصه‌ی اقتصاد، نوگرایی در عرصه‌ی سیاست و مدرنیسم در عرصه‌ی دین است. این سازمان اجتماعی جهانی با این اهداف تجددگرایی که عنوان می‌کند، در واقع راه را برای استعمار هموار می‌سازد تا استعمار به راحتی بر سرزمین‌های اسلامی وارد شود، روی این دلیل این سازمان خود نیز یکی از چنگال‌های شکاری استعمار است که ملت‌های ضعیف را به اسارت می‌کشد (صمیم، ۱۴۰۱، ص ۱۰۱).

۵ - دموکراسی: عبارت از حکومت هست که مردم در آن دارای آزادی و حقوق برابر هستند و اختیار مملکت و تعیین هیئت دولت در دست نماینده‌های است که مردم آن‌ها را انتخاب می‌کنند. عناصر دموکراسی عبارت‌اند از: مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اکثریت آراء، نمایندگی مردم از مردم و انتخابات. این نظام زاده استعمار غرب بوده و بالای خودشان قابل تطبیق می‌دانند، اما این نظام پوشالی در کشورهای ضعیف، به ویژه در کشورهای اسلامی، دام زهرآگین است که ملت‌های مختلف را به کام استعمار هدایت می‌کند و در نتیجه آن ملت‌ها را نابود می‌نماید (بشیریه، بی تا، ص ۱۶۳).

۶ - رسانه‌های انحصاری استعمار: یکی از وسایل خطرناک مورد استفاده‌ی استعمار غرب، انحصاری نمودن رسانه‌ها و اطلاعات جمعی است؛ مانند: رادیو، تلویزیون، سینما، تیاتر، فیسبوک، تویتتر، انستاگرام، واتساپ، تلگرام و سائر شبکه‌های اجتماعی که متأسفانه در انحصار استعمار غاصب غربی قرار دارند، از این رسانه‌ها برای تبلیغات اهداف سوءشان و وارونه جلوه دادن حقایق در جهان ضعیفان بیشترین استفاده را می‌کنند. این رسانه‌های انحصاری غرب، در حقیقت یکی از چنگال‌های قوی استعمار است که توسط آن‌ها هم ثروت ملت‌ها را جمع‌آوری می‌کند و هم علیه آن‌ها آن را استفاده می‌نماید (صمیم، ۱۴۰۱، ص ۱۰۹).

۷ - لیبرالیسم: عبارت از نگرشی به زندگی و مسائل آن است که تأکیدش بر ارزش‌های؛ همچون: آزادی برای افراد، اقلیت‌ها و ملت‌ها است. لیبرالیسم به گونه‌های ذیل است: لیبرالیسم فرهنگی، لیبرالیسم دینی، لیبرالیسم اخلاقی، لیبرالیسم اقتصادی و لیبرالیسم سیاسی. منظور از

اعمال لیبرالیسم از سوی استعمار به عنوان یک وسیله مهم، هدف قرار دادن محدودیت‌های قانون الهی است، می‌خواهند از همین طریق برای ملت بگویند که انسان‌ها تابع دین نیستند، بلکه ادیان باید تابع خواسته‌های انسان‌ها باشد. روی این دلیل لیبرالیسم یکی از چنگال‌های استعمار است که به فرو شکستادن ادیان، زمینه‌ی اسارت گرفتن ملت‌ها را به دست استعمار آماده می‌سازد (اونیل، ۱۳۹، ص ۱۲۴).

۸ - پلورالیسم دینی: یعنی کثرت‌گرایی دینی، طرح است از برخی دانشمندان غربی با تأثیرپذیری خاصی (از محیط غربی) در پاسخ به بعضی از مسائل عقیدتی و همچنین برای حل برخی از مشکلات اجتماعی ارائه می‌دهند، برای کثرت‌گرایی دین، تعریف‌های متفاوت ارائه شده است که در اینجا به چند تعریف کوتاه از آن اکتفاء می‌کنیم (روحانی. ب. ت. ص ۳۳).

- دین همان دین واحدی است که از جانب خدا آمده که چهره‌های مختلف دارد؛ چون مسیحیت، یهودیت و اسلام، پس به معنای خاص، همه‌ی ادیان چهره یک حقیقت اختلافی بوده که در جوهر ادیان نیست، بلکه در فهم دین است.

- حقیقت مجموعه از اجزاء و عناصر است که هر یک از این اجزاء و عناصر در ادیان مختلف یافت می‌شود، لذا تمام حقیقت در یک دین نیست و مسلمان نمی‌تواند بگوید: من به تمام دین دست‌یافتم مثال این دیدگاه از دین مانند: آئینه شکسته‌ی است که چندتکه شده باشد که هر یک از افراد از آن تکه‌ی به دست داشته باشد، پس گفته نمی‌تواند که تمام آئینه در دست اوست و هم‌چنان نمی‌تواند بگوید که قسمت آئینه را با خود ندارد. دین هم این‌چنینی است، صاحب یک دین نمی‌تواند ادعا کند که همه‌ی حقیقت دین الهی به نزد آن است و هم‌زمان نمی‌تواند بگوید که بهره از حقیقت دین الهی نبرده است.

خلاصه‌ی سخن در مورد پلورالیسم دینی این است که ما باید بپذیریم که تمام ادیان وحیانی (اسلام، یهودیت و مسیحیت) و غیر وحیانی (بودای، هندوی، زردشت و...) بهره‌ی از حقیقت دارند و نباید چنین تصور کرد که حق و حقانیت یا سعادت و فلاح در اختیار یک قشر خاص یا یک دین معین است. لذا هر یک از ادیان می‌تواند برنامه‌ی برای نجات و فلاح انسان داشته باشد (روحانی. ب. ت. ص ۳۳). دیدگاه فوق زاده‌ای غرب بوده و در آن‌جا به‌زعم خودشان یک دیدگاه اصلاحی است، اما این اندیشه خطرناک در کشورهای مستعمره به‌خصوص اسلامی

یکی از چنگال‌های استعمار است که مسلمانان را درگرو بی‌دینی انداخته و سپس به دامن استعمار اسپریشان می‌کند و ابهت و هویت اسلامی را از ایشان سلب نموده و از ایشان نیروی خنثی در قبال استعمار می‌سازد تا زمینه استعمار استعمارگران زودتر و بهتر مهیا گردد.

۹ - کمونیسم: از ریشه‌ی لاتینی «کمونیست» به معنای اشتراکی است، در اصطلاح بر سنت ایدئولوژیکی، برمی‌گردد که غایت آن مالکیت اشتراکی تمام دارایی‌ها است (آشوری، ۱۳۸۷، ص ۲۶۱). به تعبیر جدید: کمونیسم: (حکومت پرولتاریا - طبقه کارگر) به جنبش علمی، سیاسی و اقتصادی اطلاق می‌گردد که تحت تأثیر اندیشه‌های کارل مارکس فیلسوف آلمانی قرار دارد. هدف این جنبش سیاسی، حذف مالکیت خصوصی بر ابزار کار و لغو کارمزدی و برچیدن طبقات اجتماعی از طریق انقلاب کارگری است. با این هدف می‌خواهد مالکیت دولتی و اجتماع فاقد طبقاتی ایجاد نماید (معتصمی، ۱۴۰۲، ص ۱۹). کمونیست‌ها در طول تاریخ حاکمیت‌شان برای احقاق اهداف واهی‌شان مرتکب جنایت‌های بسیار وحشیانه‌ی در جهان به‌خصوص در کشورهای اسلامی شدند و دست به غارت‌های گوناگون و تصاحب املاک مردم و سپردن آن به دولت‌های استعماری روز شدند. قتل و اسارت مسلمانان و سلب املاک شخصی‌شان و سپردن آن به حکومت‌های کمونیستی که از سرچشمه‌ی استعمار آبیاری می‌شد، ما را به این نتیجه می‌رساند که اندیشه کمونیستی یکی از چنگال‌های استعمار است که توسط آن از هر جا و هر کسی بخواهد بهره‌کشی می‌نماید.

۱۰ - ناسیو نالیسم: از ریشه ناسیون که واژه‌ی فرانسوی است گرفته‌شده و معنای ملی‌گرایی را افاده می‌کند. این ایده در قرن هجدهم در فرانسه به وجود آمد که بر مصالح و منافع ملی تأکید دارد. ملی‌گرایی انواع مختلف دارد که مذموم‌ترین آن همان ملی‌گرایی افراطی است که منافع یک ملت را بر منافع ملل دیگر حتی بر حقوق و منافع آحاد همان ملت برتر می‌داند درواقع یک نوع تعصب بی‌منطق نژادی است که تجاوز به حقوق ملل دیگر را تجویز می‌نماید (طلوعی، ۱۳۹۰، ص ۹۶۴). این ایده غربی در حقیقت یکی از چنگال‌های مهم و پرکار آمد استعمار است که از آن برای استعمار سرزمین اسلامی بیشترین استفاده را می‌نماید به این روش که مردم را به ملیت‌های مختلف متفرق می‌سازد و سازوبرگ منافع ملی را در میان‌شان فعال می‌سازد و آن‌ها را بر مواضع ملی جهت می‌دهد تا سر حد دشمنی که باهم دشمن

می‌شوند، نتیجه بعد از تفرقه این است که همه ملل متنازع، به دامان استعمار سجده می‌کنند و به قبله او روی می‌آورند و از او فرمان می‌برند.

روزنه‌های نفوذ استعمار

مهم‌ترین راه‌های نفوذ استعمار به سرزمین مستعمره به‌خصوص سرزمین‌های اسلامی، همانا دامن زدن به اختلافات است.

۱- اختلافات نژادی (سیاه‌وسفید)

۲- اختلافات قبیله‌ای

۳- اختلافات ارضی

۴- اختلافات قومی

۵- اختلافات مذهبی

وزیر مستعمرات انگلیس در زمان خلافت عبدالحمید خلیفه عثمانی، به جاسوس خود که آن را به سرزمین‌های اسلامی می‌فرستد؛ چنین دستور می‌دهد که وظیفه‌ای مهم تو در این سفر درک و فهم این اختلافات میان مسلمین است و باید راه‌ها و وسایل دامن زدن به آتش نفاق و اختلاف را تا سرحد انفجار بیاموزی و مقامات لندن را به جریان قرار دهید (نیازی ۱۳۹۱، ص ۴۸).

پیامدهای زشت استعمار

استعمار نه تنها آثار مثبتی بر جای نگذاشته است بلکه تأثیرات منفی بسیار زیادی نیز به همراه داشته است. مهم‌ترین نتایج منفی استعمار در حوزه‌های دینی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورهای مستعمره می‌باشد.

۱- آثار منفی دینی

در هر زمان که چهره منحوس و گام پلید استعمار در سرزمین‌های اسلامی آشکار و نهاده شده است، آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر پیکر پاک دین مقدس اسلام وارد کرده است و از جهت‌های گوناگون مورد هدف قرار گرفته است.

به حاشیه راندن دین از صحنه سیاست و حکومت و عدم تطبیق احکام آن در حوزه‌های فامیلی، اجتماعی و سیاسی به‌ویژه آن احکام که با سیاست‌های استعماری در تضاد باشد، مانند:

جهاد، دعوت، اجرای حدود شرعی، مبارزات فکری و عقیدتی و تطبیق عدالت اسلامی، نظام سیاسی اسلامی، نظام اقتصاد اسلامی، لغو محاکم دینی و دور ساختن دستورات الهی از محاکم و جابجا نمودن قوانین وضعی به حیث قوانین رسمی کشوری، کنار کشیدن علمای حقانی از سمت‌های قضائی و در عوض، استخدام الگوهای مسخ‌شده در ظاهر مسلمان، در باطن هم‌کیش استعمارگران در سمت‌های قضاء و شخصیت‌سازی‌های کاذب نسبت به آن‌ها تا ملت‌ها را بفریبند و به اهداف نامیمونشان نائل آیند.

- ایجاد هرج‌ومرج، گسترش فحشاء، برداشتن حجاب اسلامی از سر و تن زنان مسلمان به بهانه اینکه پوشش زن در اختیار خود زن است نه دستور خداوندی، عادی‌سازی رابطه‌های نامشروع، کم‌رنگ ساختن ازدواج و تشکیل خانواده، ترویج غذاها و مشروبات حرام در خانواده‌ها در همایش‌های بزرگ اجتماعی.

- فضا باز کردن برای دعوت‌های میدانی ادیان تحریف‌شده؛ چون: نصرانیت، یهودیت با پشتوانه قوی استعمار از دعوتگران این ادیان و تطمیع مراجعین به این ادیان را به قدرت، منصب، پول، جاه و مقام و راه باز گذاشتن برای ادیان خودساخته و اغواگری؛ مانند: بهائیت، قادیانیت، کثرت‌گرایی دینی و افکار میان‌خالی فلاسفه و روشن‌فکران تاریک ضمیر.

- ترویج و تشویق درآمدهای حرام از جمله رشد فساد اداری رشوت ستانی، اختلاس، غصب و دزدی، ایجاد مراکز توزیع سود در بانک‌های سودی و مارکت‌های تجارتي، ایجاد برنامه‌های قمار به شکل‌های متفاوت و انجام معاملات حرام و غیرشرعی. هدف اساسی از همه ترفندهای ضد دینی این است تا مسلمانان نسبت به دین اسلام بی‌تفاوت گردند و انجام اعمال غیر اسلامی بر آن دشوار نباشد، در نتیجه این برنامه‌ها بر پیکر دین اسلام صدمه‌های جبران‌ناپذیری ایجاد می‌نماید (زمانی، ۱۴۰۳، ص ۱۳۱).

۲- آثار منفی اقتصادی

ستثمار منابع طبیعی: استعمارگران عمدتاً به استخراج منابع طبیعی؛ مانند: معادن، نفت، چوب و سایر منابع طبیعی می‌پردازند. بهره‌برداری از این منابع اغلب به نفع کشورهای استعمارگر می‌شود تا منابع طبیعی کشورهای مستعمره کاهش یابند و در نتیجه کشور مستعمره از منابع خود محروم گردد.

- اقتصاد تک محصولی: استعمارگران برای ورشکستی اقتصاد مستعمراتشان به محصولات خاص که چندان سود به دست کشور مستعمره نمی آید، توجه می نمایند. محصولات پرسود کشورهای مستعمره را به نوع نابود می کنند و مانع رشد آنها می گردند.
- فقر و نابرابری اقتصادی: نظامهای اقتصادی استعمارگران عموماً به نفع نخبگان محلی و سرمایه داران خارجی طراحی می گردد که نتیجه اش نابرابری اقتصادی و گسترش فقر در مستعمرات می باشد.
- فقدان استقلال اقتصادی: جوامع مستعمره به شدت وابسته به اقتصاد کشورهای استعمارگرند روی این دلیل استقلال اقتصادی ندارند که این خود مانع رشد اقتصادی کشور مستعمره است.
- عدم ارتقای فناوری: کشورهای مستعمره به ندرت از پیشرفتهای فناوری بهره مند می شوند، در نتیجه این امر باعث عقب ماندگی شان در حوزه فناوری از کشورهای دیگر می گردد (ساعی، ۱۳۹۳، ص ۸۳).

۳- آثار منفی اجتماعی

- تغییرات در ساختار اجتماعی: استعمارگران ساختارهای اجتماعی بومی را تغییر می دهند و نظامهای دلخواه خودشان مانند: سیستمهای قبیله‌ای و طبقاتی را تحمیل می نمایند، این تغییرات باعث تضعیف نهادهای اجتماعی و تفرقه اجتماعی می شود.
- تبعیض نژادی: استعمارگران به طور سیستماتیک نژادپرستی و تبعیض نژادی را پدید می آورند تا به این وسیله نژادهای مختلف را در برابر هم دیگر قرار بدهند و از این میان به نفع خودشان استفاده ببرند.
- تغییرات جمعیتی: استعمارگران با جابجاییهای جمعیتی و مهاجرتهای اجباری، ساختارهای جمعیتی جوامع مستعمره را تغییر می دهند که در نتیجه فروپاشی اجتماعی ظهور می یابد.
- تنشهای قومی و مذهبی: استعمارگران با استفاده از سیاستهای تقسیم کار، تنشهای قومی و مذهبی را در جوامع مستعمره افزایش می دهند که باعث به فنا رفتن اجتماع می گردد (ساعی، ۱۳۹۳، ص ۸۴).

۴ - آثار منفی فرهنگی

- تخریب ارزش‌های فرهنگی: بسیاری از ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی تحت تأثیر سیاست‌های استعماری قرار گرفته در نتیجه نابود می‌گردند.
- تغییر در زبان‌ها: استعمارگران زبان‌های بومی را تحت فشار قرار داده و زبان‌های خارجی را به‌عنوان زبان‌های رسمی کشورهای مستعمره قرار می‌دهند که در نتیجه زبان‌های بومی یا از بین می‌روند و یا ضعیف می‌گردند.
- دین: استعمارگران کوشش می‌نمایند تا دین حاکم در کشورهای مستعمره را که مخالف سیاست‌های استعماری باشد، از میان بردارند در عوض دین خودشان را بر آن کشور حاکم سازند (نیازی، ۱۳۹۱، ص ۶۹).

۵ - آثار منفی سیاسی

- عدم ثبات سیاسی: استعمارگران معمولاً نظام‌های سیاسی بی‌تمکین و ناپایداری را در کشورهای مستعمره ایجاد می‌نمایند تا منجر به عدم ثبات سیاسی و ناآرامی‌های داخلی گردد.
- ضعف نهادهای دولتی: سیستم‌های حکومتی که استعمارگران طراح آن‌ها اند، معمولاً فاقد قابلیت‌های لازم برای اداره مؤثر و عادلانه می‌باشند که این امر باعث تضعیف نهادهای دولتی و چالش‌های مدیریتی می‌گردد.
- دستکاری در ساختارهای سیاسی: استعمارگران بسیاری از ساختارهای سیاسی و حکومتی موجود در کشورهای مستعمره را از بین برده و نظام‌های سیاسی جدیدی را تحمیل می‌کنند که اغلب با شرایط بومی سازگار نیستند.
- شکنجه و خشونت: استعمارگران بیشتر از روش شکنجه و خشونت‌آمیز برای کنترل و سرکوبی مردم کشور مستعمره استفاده می‌نمایند که اغلب منجر به قتل و حبس و شکنجه‌های نامشروع می‌گردد.
- جنگ‌های داخلی: بسیاری از جنگ‌های داخلی و درگیری‌های قومی و سمتی به دلیل مرزهای مصنوعی و سیاست‌های تقسیم‌کار استعماری به وجود می‌آید (نیازی، ۱۳۹۱، ص ۷۱).

آثار منفی تعلیم و تربیه

- کمبود منابع آموزشی: منابع آموزشی در کشورهای مستعمره به طور نابرابر توزیع می‌گردد، روی این دلیل کیفیت آموزشی تا حد زیادی پایین می‌آید.

- آسیب به تعلیم و تربیه: استعمارگران سیستم‌های آموزشی بومی را نابود می‌کنند و طبق معیارهای سیاسی خودشان سیستم‌های تعلیمی و تحصیلی را عیار می‌سازند و تحت کنترل می‌گیرند و حاصل آن چیزی می‌شود که به استفاده استعمار باشد نه به نفع کشور مستعمره (زمانی، ۱۴۰۳، ص ۱۳۵).

۷ - آثار منفی بهداشتی

- آسیب به سیستم‌های بهداشتی: سیستم‌های بهداشتی استعمار اغلب ناکار می‌باشند، روی این دلیل به بهداشت عمومی آسیب جدی می‌رسانند.

- بیماری‌های جدید: استعمارگران عمداً ویروس‌ها و بیماری‌ها جدید و بس خطرناکی را وارد سرزمین مستعمره می‌نمایند تا دواي که برای آن امراض تولید کردند برای این مبتلایان بفروش برسانند؛ اما نتیجه این می‌شود که بهداشت عمومی از این ناحیه سخت آسیب‌پذیر می‌شود (زمانی، ۱۴۰۳، ص ۱۳۵).

نتیجه‌گیری

- استعمار کلمه عربی است و به معنای آبادی خواهی می‌باشد؛ اما این واژه هرگز در مفهوم واقعی خود استفاده نشده است، همیشه روکش برای استثمار و غارت‌گری‌های استعمارگران بوده است.

- مفهوم کاربردی استعمار از دید دانش سیاسی: تسلط جوامع و کشورهای قدرتمند (عمدتاً غربی) بر جوامع یا سرزمین‌های دیگر به منظور استثمار و بهره‌کشی از آنها می‌باشد.

- استعمار به گونه‌های چون: استعمار کهن، استعمار نو و استعمار فرا نو تقسیم شده است. شامل ادوار تاریخی: عصر باستان، دوران جهانی، استعمارگری قرن‌های نوزدهم و بیستم و استعمار نو می‌باشد.

- بدنه استعمار دارای دو عنصر مهم قدرت نظامی و قدرت اقتصادی است. بازوان توانمند استعمار برای استعمارگری استشراف و تبشیراند، چنگال‌های خون‌آلود استعمار در جهان، صهیونیسم، سکولاریسم، لیبرالیسم، کمونیسم، مدرنیسم، نشنلیزم، دموکراسی، پلورالیسم، ماسونیت و رسانه‌های انحصاری استعمار است.
- طرق نفوذ استعمار: اختلافات قومی، اختلافات مذهبی، اختلافات جغرافیائی، اختلافات ارضی، ایجاد جنگ‌های داخلی و کمپنی‌های تجاری می‌باشد.
- پیامدهای زشت دینی استعمار: به حاشیه راندن دین از سیاست، لغو محاکم شرعی، ترویج فحشاء و رابطه‌های نامشروع، ترغیب به درآمدهای حرام و باز گذاشتن میدان‌های دعوت به ادیان کفری.
- پیامدهای زشت اقتصادی استعمار: استثمار منابع طبیعی، اقتصاد تک‌محصولی، فقر و نابرابری اقتصادی، عدم ارتقای فناوری.
- پیامدهای زشت اجتماعی و فرهنگی استعمار: تغییرات در ساختار اجتماعی، تبعیض نژادی، تغییرات جمعیتی، تنش‌های قومی و مذهبی، تخریب ارزش‌های فرهنگی، تغییر زبان‌ها.
- پیامدهای زشت سیاسی استعمار: عدم ثبات سیاسی، ضعف نهادهای دولتی، دستکاری، در ساختارهای سیاسی، شکنجه و خشونت، جنگ‌های داخلی و ایجاد مرزهای مصنوعی.
- پیامدهای زشت آموزشی و بهداشتی استعمار: کمبود منابع آموزشی، آسیب به تعلیم و تربیه، آسیب به سیستم‌های بهداشتی، وارد نمودن بیماری‌های جدید.

منابع

- آشوری، د. (۱۳۸۷). *دانشنامه سیاسی*. تهران: مروارید.
- اونیل، پ. (۱۳۹۱). *مبانی سیاست تطبیقی* (س. میرترابی، مترجم). تهران - قم: قم ب. ط.
- بشیریه، ح. (ب. ت.). *آموزش دانش سیاسی*. هرات: انتشارات قدس.
- الجنیدی، أ. أ. س. أ. (ب. ت.). *تاریخ الغزو الفکری والتعریب خلال مرحلة ما بین الحربین العالمیین (۱۹۲۰-۱۹۴۰)*. مصر: دار الاعتصام.
- رضوان، ع. ب. إ. (۱۴۱۳ هـ / ۱۹۹۲ م). *آراء المستشرقین حول القرآن الکریم وتفسیره*. الرياض: دار طیبیة للنشر والتوزیع.
- روحانی، ک. (ب. ت.). *دین سوزی معاصر*. کابل: مستقبل.
- رھیاب، ب. الدین. (۱۴۰۲). *ادیان و مذاهب*. کابل: تمدن شرق.
- زمانی، م. ع. الله. (۱۴۰۳). *استعمار (تاریخ، انواع و اقسام آن)*. کابل: اداره علمی و رسانه کلمات.
- ساعی، ا. (۱۳۹۳). *مسائل سیاسی - اقتصادی جهان سوم*. قم: گلها.
- صمیم، ع. القهار. (۱۴۰۱). *تربیت فکری*. کابل: تمدن شرق.
- عمر، أ. م. (۱۴۲۹ هـ / ۲۰۰۸ م). *معجم اللغة العربیة المعاصرة*. مصر: عالم الکتب.
- طلوعی، م. (۱۳۹۰). *فرهنگ جامع سیاسی*. تهران: گلرنگ یکتا.
- مجموعه من الباحثین. (ب. ت.). *موسوعة المذاهب الفکریة المعاصرة* (بإشراف الشیخ علوی بن عبد القادر السقاف). بازیابی شده از <https://www.dorar.net>
- معتصمی، ا. الخیر م. ع. (۱۴۰۲). *نظام سیاسی اسلام*. تهران: نشر احسان.
- نیازی، ع. الله. (۱۳۹۱). *جنایات استعمار و مزدوران استعمار در راه مبارزه با دین حق*. افغانستان.

